

رقابت‌هایی که استعمار را عقب نگه داشت

۱۵ آبان ۱۴۰۱ ساعت ۲۳:۱۱

اسپانیا که از زراندوزی به ثروت رسیده بود، صرفاً به اندوختن طلا و نقره اکتفا کرد و از توسعه تجارت و صنعت که نحوه دیگر اعمال سیاست مرکانتیلیستی در انگلیس، فرانسه و هلند بود بی‌بهره ماند. وقتی که عصر طلایی اسپانیا به پایان رسید دیگر نه طلایی داشت که صرف توسعه اقتصادی کند و نه صنعت و تجارت مشروع که با آن طلا به دست آورد.

از اسپانیا و پرتغال به عنوان استعمارگران پیر یاد می‌شود. این دو کشور به خصوص اسپانیا، جز اولین کشورهای بود که قدم به وادی استعمارگری گذاشت. اسپانیا سالیان سال، مستعمرات زیادی را در نقاط مختلف دنیا به چنگ آورد و اداره کرد؛ اما علیرغم آنکه این کشور از نظر وسعت، مستعمرات زیادی را برای خود دست و پا کرد، خیلی زود از جرگه استعمارگران خارج شد و در واقع مستعمرات خود را از دست داد. حال سؤالی که ممکن است پیش آید این است که چرا این کشور با سابقه دیرینه استعمارگری، زودتر از بقیه کشورها مستعمرات خود را از دست داد و فرو ریخت؟ پاسخ این سؤال در ادامه مطلب آمده است.

نگاهی به ورود اسپانیا به استعمارگری

اولین تکاپوهای استعماری کشورهای اروپایی در اواخر قرن پانزدهم شکل گرفت. این تکاپوها متأثر از عوامل مختلفی بود و دامنه وسیعی از علل اقلیمی تا مسائل دینی همچون تبلیغ مسیحیت را دربرمی‌گرفت. با این حال در سال ۱۴۹۳ و بعد از صدور بیانیه معروف پاپ در آن زمان که به «فرمان تقسیم» مشهور گشت، کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا رسماً تأییدیه چپاول و غارت ممالک دیگر را به دست آوردند.

طبق این بیانیه، تمام آمریکای شمالی و قسمت عمده آمریکای جنوبی به اسپانیا و مناطقی همچون هند، ژاپن، چین و سایر سرزمین‌های شرقی به انضمام افریقا به پرتغال اعطا گردید. با این وصف، پرتغالی‌ها توانستند بیشتر به طرف شرق هجوم ببرند و اسپانیایی‌ها مناطق غربی را تحت تصرف در آوردند و منابع آنجا را به چپاول و یغما بردند.^۱ اسپانیا با این فرمان، خیلی زود توانست مستعمرات زیادی را به دست آورد. اسپانیا پهناورترین امپراتوری فرادریایی (ماوراء بحار) اروپایی را در این مرحله نخستین به وجود آورد. این امپراتوری یکی از سودآورترین‌ها نیز بود. اسپانیایی‌ها طلا و نقره استخراج می‌کردند، از کار برده وار بومیان بهره‌کشی می‌کردند و به صدور برده‌های بومی می‌پرداختند و برای تولید نیشکر و دیگر مواد خام یک نظام کشت و کار پدید آوردند.

در حدود سال ۱۵۵۰، یعنی کمتر از شصت سال پس از نخستین سفر دریایی کلمب، اسپانیا حدود ۳۰۳ میلیون پزو (معادل میلیون‌ها دلار امروزی) از نظام سوداگرانه خود در مستعمرات فرادریایی سود می‌برد. این رقم تا سال ۱۶۰۰ به ۲/۷ میلیارد پزو

رسید و باز هم رو به افزایش بود. اما این وسعت استعماری تضمین کننده استعمارگری این کشور به صورت ثابت نبود و استعمار اسپانیا خیلی زودتر از سایر کشورها فرو ریخت.

دلایل فرو ریختن استعمار اسپانیا

در رابطه با علل فروپاشی استعمار اسپانیا نسبت به کشورهای دیگر می‌توان دلایل زیادی را متصور شد. اما در بین این موارد، تولد استعمارگران جدید و رقابت‌های استعماری یکی از دلایل مهم می‌باشد. استقلال بسیاری از کشورها همچون آمریکا، و ورود استعمارگرانی چون فرانسه، اسپانیا، هلند و... تأثیر بسزایی در فرو ریختن استعمار اسپانیا داشت. به خصوص بریتانیا که طی مدت زمان کوتاهی توانست مستعمرات زیادی دست پیدا کند و به قدرت بالایی برسد. تا جایی که کشورهایی چون اسپانیا، دیگر توان رقابت با آن را نداشتند.

این موضوع همانطور که گفته شد این رویه باعث شکل‌گیری رقابت‌های شدید میان استعمارگران شد. بر این اساس در دوران استعمار قدیم، بارها بین استعمارگران درگیری‌هایی پدید آمد و موجب دست به دست شدن کشورهای مستعمره بین استعمارگران شد: جنگ بین اسپانیا و آمریکا بر سر کوبا در فاصله سال‌های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۵ میلادی، لشکرکشی فرانسه و انگلیس بر سر سودان در سال ۱۸۹۸ میلادی، جنگ‌های متعدد «بوئرها» با انگلیسی‌ها در فاصله سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۹۰۲ میلادی بر سر آفریقای جنوبی و جنگ روسیه تزاری و ژاپن بر سر اشغال کره در فاصله سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ میلادی نمونه‌ای از جنگ‌های استعمارگران با یک دیگر است.^۳

چنانچه به گفته یکی از نویسندگان، «اگر رقابت عمده قدرت‌های استعماری دیگر در آغاز به ویژه پرتغالی‌ها و هلندی‌ها نبود، اسپانیا یقیناً به سوده‌های بالاتری دست می‌یافت. در آن زمان، این‌ها کشورهای بسیار کوچکی با جمعیت خیلی کم بودند. اما اندازه کوچکیشان از اهمیتشان در امور سیاسی و اقتصادی جهان چیزی کم نمی‌کرد...»^۴ در واقع رقابت عامل مهمی در حفظ مستعمرات و وسعت بخشیدن به آنها بود. برای رقابت هم نیاز به هزینه جهت فراهم ساختن نیروی نظامی قوی با امکانات لازم بود که اسپانیا نتوانست آنها را به درستی محقق سازد.

شیوه غلط اداره مستعمرات نیز از جمله مسائلی بود که در درازمدت بر قدرت اسپانیا و بالا رفتن هزینه مستعمرات تأثیر گذار بود. مطابق با این دیدگاه، اسپانیا بخش اعظمی از ذخایر ارزی آمریکای مرکزی و لاتین را به غارت برد و به صورت شمش‌های طلا و نقره به ذخیره ارزی در اسپانیا پرداخته ولی به رشد صنایع تولیدی و رونق کارگاه‌های مانوفاکتوری و پیشه‌وران متخصص توجهی نکرد.

اسپانیا که از زراندوزی به ثروت رسیده بود، صرفاً به اندوختن طلا و نقره اکتفا کرد و از توسعه تجارت و صنعت که نحوه دیگر اعمال سیاست مرکانتیلیستی در انگلیس، فرانسه و هلند بود بی‌بهره ماند. وقتی که عصر طلایی اسپانیا به پایان رسید دیگر نه طلایی داشت که صرف توسعه اقتصادی کند و نه صنعت و تجارت مشروع که با آن طلا به دست آورد.^۵ در کنار این مسائل، شورش و قیام بسیاری از مستعمرات نیز نقش مهمی در زوال قدرت کشورهای استعماری داشت. این موضوع که شاید وجه مشترک رخ داده در بسیاری از کشورهای استعماری باشد در مورد اسپانیا هم اتفاق افتاد. البته شکل این نوع شورش‌ها یا قیام‌ها با توجه به مسائل داخلی مستعمرات متفاوت بود. به عنوان مثال «در مستعمرات مهاجرنشین، نظیر مستعمرات آمریکایی بریتانیا و اسپانیا، جمعیت طی زمان بیش‌تر شد و مهاجرنشینان رفته رفته از کشورهای مادر احساس دوری و تمایز

کردند. در نتیجه، مهاجرنشینان به طور فزاینده‌ای به خودمختاری تمایل یافتند.^۶

سخن نهایی

اسپانیا در دوران استعماری خود توانست ثروت و مستعمرات زیادی را به دست آورد، با این حال تمام مستعمرات این کشور زودتر از سایر استعمارگران از دست رفت. گرچه این کشور مدعی هزینه در مستعمرات خود بود، اما بخش مهمی از ثروت و پیشرفت خود را مدیون اقدامات استعماری بود. این کشور در مسیر استعمارگری از هیچ روش غیرانسانی دریغ نکرد و با فدا کردن جان و مال بومیان، در مقطعی توانست وسعتی به وسعت امپراطوری نیز به دست آورد؛ اما در نهایت بر اثر ورود استعمارگران جدید، رقابت‌های استعماری و سایر عوامل، زودتر از سایر استعمارگران فروریخت. همچنین بخش مهمی از ثروت بادآورده این کشور از طریق رقابت با قدرت‌هایی که از نظر استعماری در جایگاه بالاتری نسبت به اسپانیا قرار داشتند، از دست رفت.

فهرست منابع

۱. همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۰، ص ۶۷.
دان ناردو، عصر استعمارگری، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۶، صص ۳۲-۳۳.
مصطفی اسکندری، شناخت استعمار، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۹، ص ۴۶
ناردو، همان، صص ۳۵-۳۶.
روزنامه دنیای اقتصاد، "طلا و نقره اسپانیا را عقب نگه داشت" ۲۲/۱۲/۱۳۸۹، شماره خبر: ۶۴۶۰۵۹.
ناردو، همان، صص ۸۷-۸۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۴۸۵۹۰/ننگه-عقب-استعمار-پایه-رقابت/>